

**DEPARTMENT OF PERSIAN**  
**PATNA UNIVERSITY, PATNA**

**E CONTENT FOR M. A. PERSIAN SEMESTER II**

**PAPER : CC-8 UNIT - I**

**TOPIC:**

**FIRDAUSI W SHAHNAMA- E - OU**

**by**

**Dr. Md. Sadique Hussain**

**Associate Professor**

**Department of Persian**

**Ptana University**

**mobile No. 9234261575**

**email: [hodper@patnauniversity.ac.in](mailto:hodper@patnauniversity.ac.in)**

## فردوسی و شاهنامه او

### زندگینامه ابو القاسم فردوسی طوسی:

حکیم ابو القاسم فردوسی یکی از ستارگان درخشنده آسمان ادب فارسی است که او از خدمات شایسته و عمده خودش تاریخ باستان ایران و زبان فارسی را احیاء نموده است. او بزرگترین حماسه سرای تاریخ ایران و یکی از برجسته ترین شاعران جهان شمرده می شود. ایرانیان او را بحیث شاعر ملی ایران یاد می کنند. ولی این مورد تاسف است که در باره زندگی او آگاهی های زیادی در دست ما مهیا نیست. ما دو تا منابع مآخذ قدیم و معتبر در دست داریم که در مورد زندگانی وی چندی حرف می زنند. یکی اش چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی و دومین الباب الالباب محمد عوفی را می توان نام برد. و دیگر آنچه که درباره زندگانی فردوسی گفته و نوشته شده است بر مبنای حدس ها و گمانها قرار دارد. پژوهشگران چون حبیب یغمائی، محمد تقی بهار، ذبیح الله صفا، دهخدا، رضا زاده شفق، علامه شبلی نعمانی و دیگران هستند که از اشعار فردوسی و منابع دیگر استفاده نموده زندگی نامه وی را به تحریر آورده اند.

کنیت فردوسی ابو القاسم و تخلص او فردوسی است. پدرش در قریه باژ طابران طوس دهقانی و یکی از مالکان این ده بود. فردوسی درین قریه در سال ۳۲۹ هجری قمری چشم به جهان گشود. او آغاز زندگانی خود را در روزگار سامانیان بسر برد. می دانیم که شاهان خانواده سامانیان برای پشتیبانی زبان فارسی همت گماشتند و برای پرورش زبان و اندیشه ایرانی آماده ساختند. این فضای خوشگوار برای فردوسی موقعی بود که تو انست مطالب خود را چنین در خشان پردازد. آن موقع او ضاع خانواده او خوب بود و از نظر مادی دارای

ثروت و موقعیت قابل توجهی بود که در جوانی به کسی محتاج نبود۔ فردوسی به کسب علم و دانش پرداخت۔ او از شروع زندگانی خودش به داستان کهن ایران خیلی رغبت می داشت و از تاریخ کهن ایران عشق می ورزید۔ همین علاقه مندی وی به داستان های کهن بود که او را به فکر نظم در آوردن شاهنامه انداخت۔ او در سرودن شاهنامه آنقدر مشغول شد که در ایام زندگانی اخیر خود را در تنگدستی بسر برد۔ اوسی سال بهترین ایام زندگانی خودش را برای این کار وقف کرد چنانکه خود او می گوید۔

بسی رنج بردم درین سال سی      عجم زنده کردم بدین پارسی  
نمیرم ازین پس که من زنده ام      که تخم سخن را پراگنده ام

در باره زندگی خانوادگی وی زیاد اطلاعات بهم نمی رسد۔ از شاهنامه پیدا است که او يك پسر و يك دختر می داشت۔ پسر او در نوجوانی سی و هفت سالگی فوت کرد۔ اشعار پر حزن وی ازین سوا اشاره می کند۔

مگر بهره گیرم من از پند خویش      بر اندیشم از مرگ فرزند خویش  
جوان را چون شد سال برسی و هفت      نه بر آرزو یافت گیتی و رفت

سپس از فردوسی تنها يك دختر به جای ماند۔ آنوقت بود که فردوسی بعلت ناداری و اندوه و پریشانی و فقر و رنجوری در فلاکت افکنده بود۔ او می خواست که پاداش شاهنامه را برای دختر خودش کابین مهیا بکند و بنا به گفته نظامی عروضی سمرقندی همین علت بود که او شاهنامه را برای گرفتن انعام و اکرام به نام شاه محمود غزنوی کرد۔ محمود غزنوی وعده کرده که برای هر شعر شاهنامه يك سکه طلائی پرداخت بکند۔ ولی از شکایت حاسدان فردوسی محمود غزنوی وعده خودش را ایفاء ننمود و بجای سکه طلائی سکه نقره ای باوداد۔ فردوسی خیلی ناراحت شد و هجو محمود نوشته از غزنه فرار کرد۔ پس

از مدت چندی محمود غزنوی را احساس شد که او به فردوسی انصاف نکرده است. بنا براین او رقوم واجب انعام به خدمت او فرستاد. ولی دیر شده بود. وقتیکه این پاداش به طوس رسیده فردوسی فوت کرده بود. پس از درگذشت فردوسی دختر او پاداش را نپذیرفت. بالاخره آن پاداش برای بهبود کار و انسرای چاهه خرج شد. آخر این حماسه سرا و شاعر بزرگ جهانی در سال در سال ۳۱۶ ه ق پدرود گفت و در طوس مدفون گشت. امروزها آرامگاه فردوسی در شهر طوس زیارتگاه شایقان علم و ادب است.

### شاهنامه فردوسی:

شاهنامه فردوسی یکی از بزرگترین نوشته های ادبیات کهن فارسی است و بهترین نمونه حماسه سرایی فارسی بشمار می رود. در حقیقت شاهنامه فردوسی نمایانگر عظمت و شکوه دیرینه ملت ایران می باشد. فردوسی با کمال زیبایی و شورانگیزی شاهنامه را نظم کرده است. تعداد ابیات شاهنامه به شصت هزار می رسد. این منظومه پر شکوه و پر عظمت مشتمل بر پنجاه فصل است. و دارای ارزش تاریخی و ادبی و پراز کمالیت است.

شاهنامه فردوسی از لحاظ تاریخ به سه دسته متمایز چون اساطیری، پهلوانی و تاریخی منقسم است. دوره اساطیری همان دوره ایست که از عهد کیومرث تا فریدون ادامه دارد. پادشاهان عهد قدیم ایران چون کیومرث، هوشنگ، تهورت، جمشید ذکر شده و کشف آتش، بافکاری و کشاورزی و غیره رخ می دهد. جنگ بادیوان و داستان ضحاک بامار و کاوه آهنگر داستان مشهور این دوره است که فردوسی بنظم آورده است.

دوره پهلوانی یا حماسی از پادشاهی فریدون شروع می شود. ایرج، منوچهر، بوذر، گرشاسپ به ترتیب به پادشاهی می نشیند. جنگ

های میان ایران و توران آغاز می شود. - پادشاه کیانی مانند کیقباد، کیخسرو، سهراب و گشتاسپ روی کار می آیند. در این عهد پهلوانان چون، زال، رستم، گودرز، طوس، بیژن، سهراب و امثال آنان ظهور می کنند. سیاوش پسر کیکاؤس به دست افراسیاب کشته می شود و رستم به خونخواهی او به توران زمین می رود و انتقام خون سیاوش را از افراسیاب می گیرد. این دوره پهلوانی با مرگ رستم به پایان می رسد.

دوره تاریخی با ظهور بهمن آغاز می شود و پس از بهمن هما و سپس داراب و دارا پسر داراب به پادشاهی می رسند. در این زمان اسکندر مقدونی به ایران حمله می کند و دارا را می کشد و به تخت می نشیند. پس از اسکندر دوره پادشاهی اشکانیان را در ایاتی چند فردوسی بیان می کند و سپس ساسانیان به ظهور می آیند. در این زمان حمله عرب پیش می آید و با شکست ایرانیان شاهنامه به پایان می رسد. فردوسی برای نظم کردن شاهنامه از ماخذها قدیم استفاده کرده است. او از کتابهای اوستا و پهلوی رجوع کرده داستانهای قدیم را نظم کرده است. دیگر ماخذ شاهنامه مسعود مروزی و شاهنامه ابوالموید بلخی است. ولی اصل ماخذ که فردوسی استفاده کرده است آن شاهنامه از ابو منصور است و فردوسی او را در شاهنامه خود هم ذکر کرده است.

چنانچه می دانیم که شاهنامه نویسی در ایران از زمان قدیم متداول بود ولی شاهنامه فردوسی از لحاظ زیباییهای ادبی و زبان و بیان یکی از آثار ارزنده زبان فارسی محسوب می شود. فردوسی در بیان داستانهای شاهنامه در قالب مثنوی و بحر متقارب به نظم کشیده است. او بحر متقارب را باین علت انتخاب کرد که این بحر برای حماسه سرایی خیلی موزون می باشد. شاهنامه در یک نظر داستان رزمیه بنظر می آید و افسانه نگاری فردوسی آنقدر جالب و دلچسپ است که بقول علامه شبلی

نعمانی در اظهار جذبات انسانی و واقعه نگاری فردوسی را می توان پیشروا امام همه شاعران گفت۔

یکی از مزایای شاهنامه فردوسی این است که او از سرودن شاهنامه در زینه سادگی و سلاست زبان و بیان فارسی گویا يك انقلابی در آورده است۔ زیرا که آن همان زمان است که تسلط زبان عربی بر فارسی خیلی زیاد بوده۔ فردوسی تلاش و کوشش کرد شاهنامه را تا حدی در زبان خالص فارسی می سراید و تا حد زیادی او درین هدف خودش موفق شد۔ بنابراین مشاهده می کنیم که بر شاهنامه فردوسی خیلی کم اثرات زبان عربی یافته می شود۔

شاهنامه فردوسی نه تنها دارای داستان رزمیه چون داستان کاوه آهنگر، سیاوش، خونخواهی منوچهر، هفت خوان رستم، رستم و سهراب و غیره است بلکه در ضمن آن داستانهای بزمیه چون بیژن و منیژه، زال و رودابه و غیره را هم در آورده است و خاصیت شاعران است در بیان این واقعات بزمیه نه تنها تهذیب و متانت را پاسداری نموده است بلکه این واقعات عاشقانه را اینطور نظم می کند خوانندگان را در ساحری خودش مسحور می کنند۔

فردوسی در شاهنامه صنایع و بدایع را با چابکدستی تمام مانند استاد ماهر اینطور بکار برده است که در لطافت و چاشنی کلام دو بالگی بنظر می آید۔ مهمترین ممزیات شاهنامه ایجاز و اختصار است۔ فردوسی این را با مهارت کمال بکار برده است و از ایجاز و اختصار در کلام خودش اینطور زور پیدا می کند که آن زور در بیان به تفصیل ممکن نیست۔ چنانچه يك بیت شاهنامه را مشاهده بکنیم که دارای ایجاز و اختصار می باشد۔

اگر جز بکام من آید جواب      من و گرز و میدان و افراسیاب  
زبان شاهنامه این قدر فصیح و بلیغ است که ایرانیان بر زبان او فخر

می کند۔ فردوسی در بیان هدف خودش زبان روز مره و محاوراتی را بکار برده است۔ او تاحدی تلاش و کوشش کرده است که زبان خودش را از نفوذ و اثرات زبان عربی پاک سازد و او تاحدی در هدف خودش موفق شده است۔ و همین علت است ایرانیان شاهنامه فردوسی را ورثه خود شان فرض کرده بر آن افتخار می کنند۔ در حقیقت فردوسی از سرودن شاهنامه زبان فارسی را دو باره زنده کرد۔ فردوسی فخریه می گوید:

بر افگندم از نظم کاخی بلند که از بادو باران نیابد گزند  
 اهمیت و ارزش شاهنامه فردوسی امروز هم تسلیم شده  
 است۔ اثرات آن بر شاعران و نویسندگان فارسی هم امروز می توان  
 مشاهده کرد و کلام فردوسی در حقیقت برای شاعران آیندگان نمونه  
 ای بر جسته محسوب می شود۔ شاهنامه نه تنها در ایران نفودی و اثراتی  
 انداخت بلکه همه جهان متمدن را متأثر کرد و به علت مزایات ادبی  
 و تاریخی در ادبیات عالم مقام شامخی را احراز کرده است۔ تراجم  
 و تفاسیر آن در زبانهای مشهور جهان بوجود دارد۔ خلاصه کلام اینکه  
 در حقیقت شاهنامه فردوسی یکی از شاهکارهای عمده فارسی است که  
 فردوسی آنرا مانند زلف عروس نو آراسته است و نظامی گنجوی در باره  
 شاهنامه فردوسی چه خوب گفته است۔

سخن گوی پیشینه دانای طوس

که آراست زلف سخن چون عروس

